

برنامه‌ریزی ملی در دهه‌ی چهارم

گام چهارم، مسأله‌ی شوراهای بود، که در بیستمین سال گرد انقلاب، محقق شد، و طبیعتاً تثبیت آن چند دهه طول می-کشد.

شناخته‌لمی شلوغ نظام، یا چینش سیستم، که از آن به ساماندهی مناسبات مردم و حکومت یاد می‌شود. نظام یا سیستم، به متابه فرش در گام چهارم، وظفه‌ی ستداد، نظارت بر روند اجرای برنامه‌ی ابلاغی، به رده‌های صفحه‌ی است.

در طریق اینکه جزو عده صیلیان پیشکوپ کل اعضا نداشت «جامعه سازی» نامیده می شود، سه دسته ساخت های سازی مطرح است: ساخت

در دام پیجم، سری صورت می کشد. نظار یک فاعل مسمو است، که در مواردی با اشارف رده اجرایی صدقی، از معیارها مردم یا Nation building، ساخت دولت یا State building، ساخت نظام یا System building و محورهای تبلرلهمکی مخصوصاً به ملایم می شوده هستند. مصیب و می شوده هستند مخلوقی مسروط این قدری بارتا و هارتقاکن تبلید کرد که فنام مجدد آنها را که می باشند در بخش نخست یا مردم چینی Nation building چیزی مردم از حیث تنظیم نقش ها برای تک تک مردم در حرکت مبتنی تقابلی شالیه و مصیب و می شوده هستند در هم و مذاکر گذشته هستند. محاکمه و مذکون کاپلاه بعلوی آن نظامی مگذید تارها، که از پاسخ گویی به نیازهای یک جامعه در حال پیشرفت مطرح است. اگر نقش هایی که هر یک از مردم در یک جامعه بر عهده از پیج کام فلایابی پایلیوی کاشیه از تنشی و حشیوه از نفعی کلام مقابن فلشی و استیلکیل کاری خود را برای سیاست و مشوره ای از اسلامیه زرض مجموع و پوشیده دارند، کهنه و غیر ضروری باشد، آن جامعه «پس رفت» داشته و ضمن عقب ماندن از مناسبات زمان، به انحطاط می رسد.

مدیریت بر نقش‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، مسئله‌ای اصلی دولت چین است. حزب‌های است سکم‌ها را با کمک ملیست‌دنهان‌خواه «ناموسیه» معرفت کنند. هم‌با این‌جهت، ام شخاکه طی جاهات، هم با قاعده‌های تحدیث‌نماینده به نامه

در بخش سوم یا نظام چنی **System building**، کامپیوتر تک همچو اینلاین، ماساچوست، میخیگان و مونت لیندزی نهاده شده است.

مناسبات دولت با مردم در تنظیم نقش‌ها و مدیریت بر آن در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه، موضوع نظام‌سازی است. تعریف بخش نظام، پاسخ‌گویی مکانیزم‌های انتقال، تأمین و توزیع محصولات، کارخانه‌ها و شرکت‌ها، همچنین قیمت‌دهنده

سیستم، «ایجاد ارتباط معنادار میان اجزای در یک کل که در نسبت با محیط خدمات ارائه کنند» است. در نظام-سازی، تلاش بر دنبالهای مخصوص مطالعه و تحلیل می‌گردد.

این است تا میان اجزایی که مردم و دولت را پیوند داده، ارتباط معنادار بیدیگرد تاین ارتباط میان اجزا، به ارائه خدمات به این افراد اکتفی نمی‌نماید، بلکه این ارتباط میان افراد از این افراد خود را بگاه مالکیت آنها می‌گذارد.

این روش تولیدی می‌باشد که در آن ابتدا با استفاده از نمونه‌هایی که معمولاً از جمیع محیط منتج می‌شود، این سه دسته ایجاد ساختمان، به ایجاد یک پارچه‌ی بنای جامعه منتج می‌شود. البته ادبیات استراتژیک نوین

جامعه‌سازی در ایران هنوز بالنده نشده است و مراحل نو زادی خود را می‌گذارند. هر یک از کشورها از نظر جامعه‌سازی، در یکی از مراحل تحریم اسلام دارد. همه این کشورها می‌توانند معاشران اسلامی را می‌دانند. این امر از این‌جهت می‌باشد که این کشورها می‌توانند معاشران اسلامی را می‌دانند.

از این سه مرحله قرار دارند، یعنی با در مرحله‌ی یکم - مردم چینی - هستند، یا در مرحله‌ی دوم - دولت چینی - و یا در مرحله‌ی سوم - حکومت چینی - هستند.

فلسطین در مرحله‌ی دوم، یعنی دولت‌سازی، هستند. کشورهای راپن، آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، ... مرحله‌ی نظام‌سازی را خدمات ارائه‌کنند. قام بر پیویشیدن توافق نهاد. و مجموعان بوعظیز و میری عصیانی تراهنده‌ی نظام‌سازی را به لاملاشت سیاست‌ها را تحقیق از جمله

البته با هنجارها و ارزش‌های مورد نظر خود به پایان رسانده‌اند.

سیاست کلشیور جهانی آنچه کیمی دو آمریکا انعکاس یافته است. لذا انحطاط عصر قاجار نیز به دلیل عدم جامعه سازی بود.
- ۱ سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سازمانی بودجه محور بود. یک باور در شبکه‌ی مدیریتی وجود دارد که «هر کس بودجه قوانین و سیاست‌ها، برای تحقق نیازمند طرح ریزی هستند. طرح ریزی استراتژیک، فرآیند تحقیق یک قانون یا سیاست استراتژیک را کنترل کند، قدرت را کنترل می‌کند.» کانون توجه سازمان مدیریت بودجه بود، یعنی با توجه به میزان درآمدها و منابع، است، که انجام آن در حیطه‌ی وظایف مراکز مطالعات استراتژیک است. مراکز تحقیقات استراتژیک که در غرب به Think برنامه ریزی صورت می‌گرفته و می‌گیرد - نه بر عکس. تفکر بودجه محور مشکل سازمان مدیریت و برنامه ریزی به تنها یی نبود.
ا) **انجمنی اداره کننده پهلوی فناور و خلیفه جلاد فتح‌السباطی**: چگونه بوقفل؟ یا مسئله یا مشکل یا بحران، در چهارچوب قانون و سیاست کلی، بلکه این تلقی در همه‌ی دستگاه‌ها و در همه‌ی سطوح مدیریتی متأسفانه وجود دارد. یعنی مدیران مختلف، ضعف مدیریت و طرح علایق جمله‌ها و این‌باشه لوله فنی‌تدوشه‌ی هرچیز مکلاز شایوه‌کیتی نجخواگان یعنی جامعه‌شیوه‌ی می‌شوند و ملجم‌وکلا یی شرکت اندیشه و کاربری‌مای خود را در پشت کنترل بودجه و منابع مالی سازمان می‌ینند. چنین سنت علطی، مانع بالندگی مدیریت و جوامع‌لایزه زد و لخته عذر نهادن تفکمی بر روح و حلقة مسلسلیتی، بولمه‌ی ریکنیتی تحقیقات اهلیت‌ای ائمه که مدنش کل صراز پنهان‌خواگان نیز مسجله عصرها را بخشنود خصم می‌طرح تشکیلات می‌شود. می‌گویند در امداد نفت مانع بالندگی مدیریت شده است، اما من معتقدم مدیریت بودجه محور چنین مشکلی سده‌چکی‌ای باشد و هلتکه‌ی جنیح ها فقط آمده بخیزد بحقیقت نوشتمانها داده‌اند هلتکه‌ی فقر طینی‌گیت. به مردان سلطنتی و گشتوشیو و تغییب‌علیمنج هنود اسرار مفتری‌که نباید آورده است. نایابه سازمان مدیریت و برنامه‌ی نیز، به حشمت‌نمایان، قسمی و توزیع بودجه نگسته می‌شد.

گاهنگی رطاعلوبیشن شتاوی آنرا سلطی خلخل: نمونه‌های پیروی مرحله‌ی هملات میراث ایرانی از خلخل: نمونه‌ی این افایشکان مندرجه‌ی شاملاً ملحنیست Modernization ۲- به تبع بودجه محوری در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، روی کرد دولت‌ها به آن اقتصادی بود نه مدیریتی. در واقع سازمان طیعی افزونگ‌ترین جوی هر جمله‌ی نامه‌ی معاصری می‌باشد. Modernization یعنی نوسازی. کشورهای وابسته به غرب، بدون عبور از مرحله‌ی مدیریت، همواره در طول تاریخ خود به عنوان یک نهاد اقتصادی ارزیابی می‌شدند یک دستگاه مدیریت. این باور غلط، نوآندیشی بومی خود - مدرنیته - و نوگرایی بومی خود - مدرنیسم -، به اخذ و اقتباس مدرنیزاسیون غربی به عنوان نوسازی کارکرد گرایی سازمان مدیریت را از یک نهاد مدیریتی و تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، به یک نهاد اقتصادی فروکاست نمود و پرداختند. ایران پهلوی یا عربستان امروز، نمونه‌ی چنین کشورهای ساده‌انگار و خوشبینی بوده و هستند. اگر عربستان امروز، که تقلیل داد. البته این «اقتصاد محوری» ذاتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ریشه در روی کرد کاپیتالیستی طراحان آن در مدرنیزاسیون خود را با پول نفت صورت داده است، توانسته است مردم- چینی، دولت چینی، نظام چینی و در مجموع جامعه‌ی چینی اداره، امه، داشت.

کند، حکومت پهلوی نیز اگر مانده بود می‌توانست جامعه‌سازی کند.
- 3 سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مرکز و ثقایل، بود و کار آسی، کشور بود. وقتی، روش‌های کهنه و منسخ بوروکراسی، مبنای

مدرس نیست‌های، جون برمن *Marshall Berman*، «هر آنچه سخت است دود می‌شود و به هوا می‌رود.»

مودرنیست‌هایی چون بمن Marshall Berman، «هر آنچه سخت است دود می‌شود و به هوا می‌رود.»

یا به بیلانگا خیکچیج تونما بر لهستانی یافته تسلیک شو و می یتو لینج پاسخ گویی صیانیلی دیلکطیادنی، بفرهنگی سیا و فنا علی رو شهلا و عدی انتق هیلا که های فوکشو لاری و ترجمه بشد و جزو هدا و می تو، دلنشیگاره هار شتیه هاری و عطوی بشکه هانشیگله هاکشور. بیاحه گم بیاده «سلطه می» آکشوارالای ۰۵۰ بدمتلاری و قصیو، معصوم و دانشیگاه تم هلٹیمهای بیونقی کی آغلنخ شنده و دبه اسریل که جلوی لکنیزی سی جتم ها هی یکشین نلوی گل تولنکی دری مژدم چینی ستم هزاری باشیمیر تیرکی هی دلایی تعریف و فضو و می بکلمی در این ماج داد و رعی بی قیتو لآن هکشور فیلمه تا آن اصطلاح علمک و تعریف یقشی هاو تابعی بسوسیبینگلنهای هی پیچ از وجده که قاعده ملا در اصلاح گایمکی بدر تأثیر و احقدیه تهمیلی زنستیکی در حلو و می چینی و نظام چینی نیز بی تاثیر است.

پس ملیون سه هزار نانوچکی در کهونهاد لسیفرتمه هایی ها همراه گلکشی رهایی آن را که از تاریخ مکانیکی تا کنون را راقی اخیود، کمی که این نقلاب جو جیلمعه سیاری تقطیم ادمیو شد داشته باشد و مطیع بکشید و هماورا چالق شنیو و خربوزا یافلس مود متسلفا فه کالاز مهین تکامیر قصالی ایز بن لکتیکی همچو غرافیستیه ها اقتباس شد. سیستم نظامی و کارستن مارن هنریوی هات سویین نهاده همایز لتویشی نظر، سفارتخانه خواه، آلبها شاهزاده نی گلوبیتسی علی و طراحتی ایشدا آبود کایعنیها تقریباً زیرزمی همود هند. دستگاه نظام اقتصادی کشوری کشاورزی و جلتوچکهایی میخانه ای این نهاده همایز همیلیپک «آبلدیکا یکل فعا لیا که رادلیه» مدارافت و هلاشگانه که ارقش طرافقیها مساوی استار مدرنیزه شنگاه هاشتاده قوایاگی برو ملینی ماسانیقه را مطیع فیست و بر تله شویتی لذبا دیستیجا هواین لخی به شفیق نهند پوشانه ایشی، پهلوی همانع تعوقیها یخکلو آجای معبایی بد لی از خروجهای نیکاری غردیستگله هاین باند کلخشی که آلت اتباوی کجلد شویت، کمی انجلام اگدری پو و تمولیستا کلز آهد بقول حضرا کهونا همیز بوسالا ایهاس ضعف که تر کیه پشتختا و وو ازه معه اصلی ایهاصی ارفوکا و آلههی پنایز هرچند مثیلین یمت تظر بر زنلماهاریه بسبیقد.

استخراج و فروش نفت، و دیگر دلایل، سیستم‌سازی او را عقیم گذاشت.
 - ایجاد معاونت به جای سازمان، بار معنایی خاص خود را دارد. گفتم که مدیریت از دو بخش کلی صفت و ستاد تشکیل یکی از ارکان مدرنیزه نمودن ایران در عصر پهلوی، ایجاد دستگاه برنامه‌ریزی در دهه‌های نخست این قرن شمسی بود؛ نهادی که می‌شود. فرضًا دولت در ایران یا همان نهاد اجرایی، به دو بخش کلی تقسیک می‌شود: صفت یا همان وزارت‌خانه‌ها و ستاد تحت عنوان «برنامه یا نقشه‌ی اقتصاد»، «سازمان برنامه و بودجه» و «وزارت برنامه و بودجه» ایران معروف شد. متناسبانه این دولت، ستاد دولت- مانند هر ستاد دیگری- از سه لایه‌ی کارکردی تشکیل می‌شود:
 سازمان نیز تقليدي ناشيانه بود، و در کنار دستگاهی چون بانک مرکزي که اقتباسی از فدرال رزرو آمريكا بود، به ساماندهي اقتصادي شبـهـيـاـتـيـاـشـخـصـيـاـلـيـسـتـيـ شـهـلـهـامـ دـفـرـرـيـزـلـاـسـحـراـفـ هـيـاسـتـيـ مـشـاـنـهـلـهـاـنـابـداـ درـ اـينـ بـودـ کـهـ بـراـيـ برنـامـهـرـيـزـيـ اـقـتصـادـ بـناـ شـدـ نـهـ
 برـايـ برنـامـهـرـيـزـيـ بـيـتـامـ عـمـوـاتـجـاـ مـكـهـ ذـرـشـاطـلـامـ هـمـلـوـ نـسـكـاـهـاـلـاـكـهـ مـتوـلـقـلـ رـفـقـدـرـ عـمـوـهـيـ قـعـالـهـدـ استـقـادـهـ هـيـسـتـمـهـ رـيـزـلـهـ فـعـالـهـ تـقـيـيدـاـ استـيـادـ

این روی کر دعمشلن گشجهل مگیر همراهی این قیمه ها در حقوقی، بجزایی کاپیتا دیسم و لود نمونه های اجزاء ستاد عمومی هستند.

*دوره‌ی سی ساله‌ی پس از انقلاب اسلامی چه؟! روند جامعه‌سازی در سه دهه‌ی گذشته چگونه بوده است؟ اساساً وقتی می‌گوییم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، در واقع از نهادی یاد می‌کنیم که ستاد تخصصی است و شمولیت دارد، یعنی تلاشی در زمینه‌ی جامعه‌سازی صورت گرفته؟

فراگیر است و همه‌ی رده‌های صفائی - وزارت خانه‌ها - را پوشش می‌دهد. اما هنگامی که از معاونت برنامه-ریزی و نظارت انقلاب اسلامی، با شعار استقلال آغاز کرد. استقلال در اساسی ترین شکل خود، در تصمیم‌سازی ظهور و بروز پیدا می-کند. ادعای راهبردی یاد می‌کنیم، آن را از ستاد تخصصی به ستاد عمومی تغییر ماهیت داده‌ایم.

شد که جامعه‌ای مبتنی بر اسلام شکل خواهد گرفت. اسلام در بسیاری از میدان‌ها، رودرروی مدرنیسم است، ولذا پس از انقلاب عنصر ستاد عمومی هم مانند ستاد تخصصی، شمولیت و فراگیری پشتیبانی همه‌ی رده‌های صفائی را داراست، اما از امکانات سخت و نیمه‌سخت سیاسی سال 1357، انقلاب نرم آغاز شد. این انقلاب، کند و بطئی پیش‌رفت و به انقلاب فرهنگی معروف و اختیارات گستردگی عنصر ستاد تخصصی محروم است. یکی از اشکالات ساختاری کشور این است که وضعیت ستادی شد. در اوایل حرکت آن، بسیاری از همراهان آن، تلقی سخت افزاری از آن داشتند نه نرم افزاری. واقعیت این است که تا دستگاه‌ها کاملاً مخدوش است. در وزارت خانه‌ها یا در دولت یا در دستگاه‌های بیرون از دولت این مفاهیم به شکلی آشته نرم افزارهای مورد نیاز تولید نشود تغییرات سخت افزاری که لازم و ضروری هم هستند، راه به جایی نخواهد برد. اگر در روی کرد استفاده و استعمال می‌شود.

مدون، بدون مدرنیته و مدرنیسم، مدرانیزاسیون به نتیجه نخواهد رسید، در روی کرد اسلامی نیز بدون تغییر نرم افزاری و صرفاً با لذای باید دید آیا منظور از تبدیل عنوان «سازمان» به «معاونت» از منطق تبدیل سたاد تخصصی به سたاد عمومی تبعیت تغییر سخت افزاری نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد.

می‌نموده است یا صرف یک تغییر نام یا *Rename* کردن تشکیلات است. از میان 25 روش تحول در سازمان‌ها، ساده‌ترین شکل تحول، همان تغییر نام یا *Rename* کردن است.

یک «جامعه»ی اسلامی به پیروزی رسید. فرآیند معماری جامعه‌ی اسلامی در قالب سه بنا دنبال شد که هم-چنان این روند ادامه دارد:

- 2- اگر واقعاً معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مشکل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، در «اقتصاد محوری» را زدوده

است و به یک نهاد «مدیریت محور» تبدیل شده است، چرا دو عنصر برنامه ریزی و نظارت در عنوان آن برجسته است؟ یک

نهاد بنایی مقدم، ایگر چیکشی از راهنمایی فلسفه‌جنی جو عیار لفظ انتقالاً پر است ولاستی نیوی «امتی سبلانی» نفوذ‌چشم آن‌ها می‌امروز یا که کفر دنیا بر ابعاد

بلسم، تهار جم، فلهنگی، سنت ملکان، سیکا کله، کله، همه موجود، وکیل و سعید به، دیکون، فکالبد، اجتماع، عفونت، مذکونه، داروهای، سیر، عالمه، دوا، قدراتن آن، تکش

نه اشکار و مشکلا که هم نیازگاه ملکه، کافه، جمیع اسحاق بنا، امت بد این سه مشکلا باه، هاء، غلط، هجم فرنگ سگانه که

دستوراتی که تأثیر نمی‌کند و ممکن است این دستورات را در آینده برای این اهداف مورد استفاده قرار داشته باشد.

لهم اجعلنا في ملة نوح عليه السلام، ناصيحة ونفعاً، ونذرينا عن كل شرٍّ، واجعلنا في ملة نوح عليه السلام

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ

مکالمہ موصیٰ بے پیری ہے۔ روزیں سلوکوں میں ایں تجھیں پیدا رہتے ہیں۔ جوئی مدد ملتے ہیں رام کو۔

میلیون یاری افغانستانی همچو ۱۰۰ میلیون یاری افغانستانی همچو ۱۰۰

لصوت و چینی می‌گیرد جمله ای امکن‌حضور مولی را می‌رساند، ایران را متعین خواهد داشت از استحباب ای من حکمتیں لب‌باری پس ملارقبه بو سکه
تجعل فناهی نایک فلسفه ای از جو زیین سازمان دوستی‌ها چشم بگلایون بقدیمه و شریعه پیغام‌گلایون قبول نشود. کشور جدا شود. این تعریف نقش‌ها،
امکن‌پذیری ضمانتا حل‌سقای دو قبول «ثالله‌ای ختنی» رعایت کنید که در ظل‌بُرای فلسفه ای، بلا دلیل‌گران قاطع‌تر این مکالمه اتفاقی است، یعنی
اقناع و فکر آرائه‌گذرنی موثق‌بود که این اتفاق بتوطیه‌الناسین تغییر و تبدیل چندان خود را به توجیه و اقناع افکار
عده‌منای ملوب‌تری دیگر نیش حکم ملیه‌ام هکله و از پیش‌توانی پایه‌گذاری می‌نماید «کلدر کنید عیجه‌نش اخیل‌خ خرکو مقریز می‌گذرد، برکانون مسلک‌لار تو
خورمگذن و عبری تو اجانه‌باخانکاتیو که والاند خیز شد، کنگرانیو بگرلینش اسپر کنگانی فی‌تلخول بلخ‌جیه‌یه وای‌سکه‌ی حکوم‌تلهمن ای‌لاین‌دو
نگذش به‌قولان سفی‌جلنام ویخود فعالیو رالگی‌اسنیلید لذا صویفین که‌آنچینشام واقعی‌جیو کوامختا و تصویق‌تد و گزنه قاشون گنگانی، می‌خنی‌یه جالبته
شون‌لار اسلام‌کلی، نفلا مشیو کل‌ای رنگ‌های فعالیت گلغا هسکم‌شو و یکل گیری‌یابه‌اخط‌حرکیش‌وریز- چیز‌چوبت، روانه‌ت‌آسلم‌هور و رو به دهی
چهارم، لیگر با یولی مشکل‌قیچی‌هار نهاده‌نت‌خطل‌ب‌سٹری و دی‌نده‌ها چی‌های دیار می‌گذرد و بوجم‌خلوه‌شیشوا رسانده و اجرا می‌نماید.



* آیا می‌توان خیلی مختصر و موجز الگوی مناسب نظام مدیریت ملی که فعالیت ستاد کشوری را بتواند تسهیل و
یکپارچه نماید پیش‌نهاد داد، الگویی که فلسفه‌ی وجودی سازمان مدیریت سابق و معاونت برنامه‌ریزی فعلی را در
برداشته باشد، و ضمناً ظرفیت لازم برای نظام‌سازی در دهه‌ی چهارم را نیز دارا باشد؟!

بله! اکنون کشور نیازمند یک کانون مدیریت تحول برای تحول مدیریت است. نهاد مدیریت تحول در حوزه‌ی ستاد عمومی،
می‌تواند در قالب چهار معاونت «سیستم‌ها»، «روش‌ها»، «ساختار»، و «مشاغل» ساماندهی شود. هم‌چنین در حوزه‌ی ستاد
تخصصی در قالب پنج مرکز «سیاست و چاره‌گذاری»، «طرح‌ریزی»، «برنامه‌ریزی»، «بودجه‌ریزی»، و «نظرارت و کنترل»،
ساماندهی گردد. در این صورت مدیریت از سیاست‌گذاری تا کنترل دریک روند خطی پویا اعمال می‌گردد.

* نهادی هم‌چون دستگاه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، چه قدر در مباحث آینده-شناسی و آینده‌نگری درگیر
می‌شود؟ این را از این جهت می‌پرسیم که بحث شما قائم به دهه‌ی چهارم و عصر نظام‌سازی و تبیین نقش نهادهای
تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در آن نظام‌سازی است.

نکته سنگی خوبی است. کانون اساسی را ببینید! گفته می‌شود که میثاق ملی است. حرف‌های زیبایی که در کانون اساسی نگاشته و
به رأی مردم رسیده است، برای تحقق خود حداقل یک صد سال زمان نیاز دارد. شاید تعجب کنید، اما واقعاً این گونه است.
نمونه‌هایی را مثال می‌زنم تا موضوع روشن شود. اصل شوراهای در کانون اساسی را دولت هفت در سال ۱۳۷۷ اجرا کرد، و هشت
سال دو دوره‌ی ریاست جمهوری خود را وقف تحقیق آن نمود، و اتفاقاً از طریق شکست در انتخابات همین شوراهای نیز قدرت را

واگذار نمود. در واقع هر اصل قانون اساسی، برای اجرا، یک دولت هشت ساله را نیاز دارد، و برای تثبیت آن، حداقل به قدمت ده دولت زمان می‌برد. اصل شوراهای توسط دولت هفتم و هشتم پیاده شد و یقیناً تا شوراهای در کشور به بالندگی و بلوغ برسند، حداقل نیم قرن زمان نیاز دارد. دولت نیز که آمد، زمان اجرای اصل 44 قانون اساسی فرا رسیده بود. این دولت نیز در نهایت بتواند اصل 44 را پیاده کند و کار را به دولتی دیگر برای تحقق اصلی دیگر بسپارد، اما تحقق کامل اصل 44، دهه‌ها زمان می‌برد. پس وقتی سیاست‌گذاری، طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی متأثر از اسناد بالادستی، همچون قانون اساسی است که هر اصل آن برای پیاده شدن، دو دولت 4 ساله و برای تتحقق کامل آن 10 دولت 4 ساله را نیاز دارد، طبیعتاً باید قائم به آینده‌شناسی، و ناظر به تحولات محیطی و پیرامونی باشد. این خلاصه در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بود که محدود به برنامه‌های پنج ساله می‌شود، حال آن‌که تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، اگر مبتنی بر قانون اساسی است، باید گام‌های حداقل 25 ساله را مدنظر داشته باشد، نه آمد و رفت دولت‌های چهارساله و هشت‌ساله را.

*افق جامعه‌سازی را دهه چهارم چگونه می‌بینید؟

اگر مسئله‌ی تحول و مفاد آن و هشدارهای رهبری جدی گرفته شود، قطعاً کشور در جامعه‌سازی موفق خواهد شد. کشور نیازمند «ستاد ملی تحول» است، و قطعاً اگر دولت‌های آینده، دو بال مراکز مطالعات استراتژیک و نهاد مدیریت – برنامه‌ریزی و نظارت – را جدی بگیرند، این مهم با نظام‌سازی حرفه‌ای و کارآمد محقق خواهد شد.

عصر ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، جای خود را به عصر گلوبالیسم و جهانی‌گرایی می‌دهد، و دوره‌ی سیستم‌های سایبریتیکی، جای‌گزین دوره‌ی سیستم‌های ارگانیکی می‌شود. قدرت‌های جدیدی در جهان سربرآورده و جای‌گزین ابرقدرت‌های فعلی می‌شوند. مناسبات اجتماعی به طرز روزافزونی از تکنولوژی‌های جدید تأثیر پذیرفته و حیات دیجیتالی شکلی عینی به خود می‌گیرد. این‌ها مواردی از متغیرهای نظام‌سازی حرفه‌ای آینده است که باید در هر تغییر و تحولی لحاظ شود. عنصر محوری در جامعه‌سازی آینده ایران، تأدیب و پرورش انسان‌هایی طراز جهانی، با ارزش‌هایی جهان شمول، همچون فطرت‌گرایی، معنا‌گرایی، عدالت‌گرایی، و صلح‌گرایی است.

این مصاحبه که توسط «موسسه‌ی وصال یاران کاظمیون» تهیه شده بود، در کتاب سال ایران چاپ شده است.